

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۴ اسفند ۸۹

هفته‌ی چهارم (من کی هستم؟)

۱۹ ربیع الاول ۱۴۳۲ (هفته‌ی سوم ماه ربیع الاول)

به نام خالق و آفریننده‌ی لوح و قلم، خطبه را آغاز می‌کنیم.

می‌خواهیم در مورد نردبان دوم و اسم‌های زیبا بحث کنیم. نردبان دوم متعلق به کسانی بود که نامشان را دوست داشتند و در پاسخ سؤال اعلام کردند از اسمشان راضی هستند ما هم از ابراز علاقه به نامشان مانند عوامل وابسته به شخصیتشان که آن‌ها را با آن نام می‌شناسند با مخاطبین این مرحله وارد بحث می‌شویم.

همان‌گونه که عالم هستی دارای شناسنامه‌ی معرفی شده از جانب پروردگار آن است پس هر کس که ابراز داشته نامش را دوست دارد باید بتواند خود را معرفی کند، مانند مثالی که زده می‌شود:

مثلاً کوه دارای شناسنامه‌ای است که قرار گرفتنش در هر نقطه از زمین ماهیتش را تغییر نمی‌دهد، ممکن است در یک نقطه از کشوری از نظر ارتفاع متفاوت باشد ولی از نظر شکل، نامش کوه است، به هر زبانی که بخواهد معرفی می‌شود.

کسی که در سایت اعلام کرده از نامی که پدر و مادرش برایش انتخاب نموده راضی است پس به هر زبانی که نامش را صدا کنند تغییری در آن حاصل نمی‌شود فقط لفظ‌ها جابه‌جا می‌شود ولی اصل نام تغییری نمی‌کند.

حالا با شما وارد مسافرتی کوتاه می‌شویم. از مرزِ خاکی که به آن خو گرفته‌ایم می‌خواهیم به مکانی که چشم‌هایی بیگانه دارد برویم. همگی شاگردان با هم به کشور استرالیا که دورترین مکان است می‌رویم. از هر وسیله‌ای که با آن رفته‌ایم پیاده می‌شویم. می‌خواهیم جواز عبورمان را با نام و مشخصاتمان ثبت کنیم تا به مکانی که مورد نظرمان است برویم، حالا با ملتی جدید و فرهنگی غریب مواجه هستیم، برای هماهنگ شدن با طرز زندگی در این منطقه باید به علایق آنان توجه کنیم. وارد

اجتماع می‌شویم، اول مذهب و اعتقادمان مورد توجه قرار می‌گیرد. شکل و قیافه‌مان معرف آن است و بعد ناممان. شکل ظاهری و اعتقادات وجودی‌مان را اگر همان‌گونه که در سرزمین خودمان بود حفظ کنیم از قافله‌ی اجتماع آنان عقب می‌مانیم پس کمی در راه و روشمان تجدید نظر می‌کنیم تا عقب مانده معرفی نشویم. دیگر اوضاع ظاهری‌مان با اسمی که آن را دوست داشتیم مطابق نیست، حالا ناممان را هم در ظاهر تغییر می‌دهیم و نامی با شرایط آن مکان روی خودمان می‌گذاریم. وقتی تنها هستیم به قالب خودمان در می‌آییم و وقتی در میان آن ملت با فرهنگی که دارد واقع می‌شویم مانند خودشان رفتار می‌کنیم، پس نامی که دوستش داشتیم نمی‌تواند همیشه و در همه جا دوست داشتنی باشد، بلکه در مکانی دوست داشتنی است و در مکان دیگری باید هم‌رنگ جامعه‌ی آن مکان شود.

از مسافرت برمی‌گردم، احساس خوبی ندارم، چرا نتوانستم به حرفی که به آن اعتقاد داشتم پایبند بمانم؟ دچار بحران درونی می‌شوم، دیگر شخص سابق نیستم، در امتحانی که از خودم به عمل آوردم موفق نبودم، به نردبان اول باز می‌گردم و در مورد اسمم بیشتر فکر می‌کنم، اگر خودم را شناختم، نامم را هم خواهم شناخت پس هنوز مجهول هستم و نامی ندارم که در حوادث زندگی‌ام بر آن ثابت قدم بمانم، باید وجودم را در تلاطم‌های زندگی‌ام طوری تنظیم کنم که متزلزل نشود و نامم را وقتی دوست بدارم که با نظر دیگران تغییر نکند.

ممکن است اعلام کنید سایت در موردتان در موارد زیادی که با آن سر و کار داشتید قضاوت نموده پس با خودتان رو راست باشید و فکر کنید حتی اگر منافع شما در مکان زندگی‌تان هم به اسمتان بستگی داشته باشد، آن اسمی که دوستش دارید را تغییر می‌دهید تا موانع برطرف شود؟

پس تا کمال و رسیدن به شخصیت وجودی راه طولانی را در مقابل دارید.

با تفکری که از روی صداقت باشد به نردبان اول برگردید تا نمودار شخصیتتان گویای حقیقت نامتان باشد.

به امید یافتن راهی که همگی منتظران کوی عشق را به آن متصل کند بحث را خاتمه می‌دهیم.

سؤال ما را با چند جمله پاسخ دهید، من کی هستم آیا نفر اولم یا نفر دوم؟

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com